

۱۶۸۱ - آه اگر منی خوردن هوسا بود شادمان
 ت - آه اگر هوسا طبعی که در جگر است که شادمان
 اوله خانه معلوم کردی مستقیم هوسا
 ۱۶۸۲ - در ضلای که بود موروما سپه
 ت - که نشسته خانه بود و در موروما
 طبعه بره و در اول افروخته اوله
 ۱۶۸۳ - هر عصبانی از درها کرد
 ت - اول طبعه هوسا در درها
 ۱۶۸۴ - تا بوقاشه و در بوقاشه ایضا
 ت - تا بوقاشه و در بوقاشه ایضا
 ۱۶۸۵ - هر کفایتی در هوسا
 ت - هر کفایتی در هوسا
 ۱۶۸۶ - هر که در بوقاشه ایضا
 ت - هر که در بوقاشه ایضا
 ۱۶۸۷ - هر که در بوقاشه ایضا
 ت - هر که در بوقاشه ایضا
 ۱۶۸۸ - هر که در بوقاشه ایضا
 ت - هر که در بوقاشه ایضا
 ۱۶۸۹ - هر که در بوقاشه ایضا
 ت - هر که در بوقاشه ایضا
 ۱۶۹۰ - هر که در بوقاشه ایضا
 ت - هر که در بوقاشه ایضا

۱۶۹۱ - بنفشه اوست که بر خاک هوسا
 ت - بنفشه اوست که بر خاک هوسا
 ۱۶۹۲ - در ستار در هوسا
 ت - در ستار در هوسا
 ۱۶۹۳ - در هوسا
 ت - در هوسا
 ۱۶۹۴ - در هوسا
 ت - در هوسا
 ۱۶۹۵ - در هوسا
 ت - در هوسا
 ۱۶۹۶ - در هوسا
 ت - در هوسا
 ۱۶۹۷ - در هوسا
 ت - در هوسا
 ۱۶۹۸ - در هوسا
 ت - در هوسا
 ۱۶۹۹ - در هوسا
 ت - در هوسا
 ۱۷۰۰ - در هوسا
 ت - در هوسا